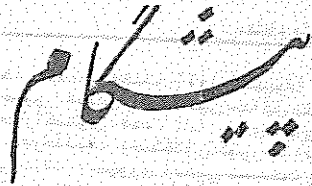


# جوانان! علیه جنگ به پا خیزید



خمینی، این دشمن کینه توز مردم، باد میدان برآتش جنگ، درست در آستانه نوروز، شادی عید را به اشک و اندوه و ماتم تبدیل کرده است. طی تمام ماه گذشته جنگ با شدت تمام ادامه یافت و اکنون جبهه ها در دریایی از آتش و خون غرق شده است. تلفات مهاجمات اخیر بسیار سنگین است. تعداد کشته ها و مجروحین سربه هزاران هزار میزند جبهه ها از احیاء جوانان ایرانی و عراقی پوشیده است. رژیم فرصت بخاک سیاری کشته شدهگان بقیه در صفحه ۲

شهره سازان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) شماره ۹ سال اول اول فروردین ۱۳۶۵ بهاء ۱۵ ریال

هراس و ناآرامی رژیم در مقابل

## تظاهرات بزرگ دانش آموزان

از سوی شریعت بدنی آموزش و پرورش در روزهای ۱۳۶۴ مسابقه دومیدانی برای دانش آموزان تهران اعلام شده بود. با توجه به علاقه دانش آموزان به ورزش در شرایطی که امکان هیچگونه تفریح سالمی برای آنان وجود ندارد و از آنجا که کار تدارک این مسابقه به عهده معلمین ورزش مدارس و بدون دخالت انجمن های اسلامی صورت میگرفت، استقبال وسیعی از آن به عمل آمد. ساعت ۹ صبح جمعه، بیش از سی هزار دانش آموز در خیابانهای محل آغاز مسابقه جمع شده بودند. مسئولان برگزاری مسابقه که قصدشان تنها یک کار تبلیغاتی برای رژیم بود و احلا آمادگی چندین جمعیتی را نداشتند، ناچار از شروع و کنترل مسابقه به سرکجه افتادند. چندین بار خط زمان مسابقه را باطل و دوباره اعلام کردند. آنکه بالاخره در ساعت ۱۰/۳۰ صبح مسابقه بدون آغاز و پایان به اتمام رسید. دانش آموزان خشمگین و متعترض ابتدا به کندن شماره های روی سینه ها بیان پرداختند و در مقابل حرکات دستچاپه عوامل رژیم آنها را "هو" کردند. وقتی اعتراضات بالا گرفت پاسداران کمیته جی پیدا شدند. به محض رسیدن این مزدوران، شعار یکپارچه "سایه بروگمشو" فضای آسان را شکافت. در این شرایط یکسری از پاسداران با اسلحه کمری اش شروع به تیراندازی هوایی کرد، جوانان متعترض با شعار "توب، تانک مسلسل دیگر اثر ندارد" به اویاخ دادند. پاسداران زخم خورده رژیم که از اسلحه کمری طرفی نیستند با با توم و چوب به دانش آموزان حمله ور شدند. اما انبوه جوانان خشمگین به مقابله با آنها برخاست. صدای تیراندازی و شعارهای دانش آموزان تمام اهالی منطقه راه پشت بام ها کشانید. پاسداران مجبور به عقب نشینی برای آوردن نیروی کمکی شدند. دانش آموزان در طول بتلوار کشا و رزمه حرکت درآمدند و با شعار "مرگ بر پاسدار"، "مرگ بر اکر می" تمام می پلاکاردها، پوسترها، عکس های خشن و وراق بقیه در صفحه ۲



## بهاران خجسته باد

برگزاری جشن های نوروز از آیین های بسیار کهن ایرانیان آریایی است. با توسعه کشاورزی در سرزمینی که نیاکان مادران می زیستند، آیین آئین ها پدیدار گردید. آغاز بهار که فصل نورایی و شکوفایی طبیعت است، با جشن های باشکوه از جانب مردم استقبال می گردید. فردوسی در شاهنامه از پیدایی نوروز چنین یاد کرده است: به جمشید بر، گوهر افشاندند / مرآن روز را روز نو خواندند. سر سال نو هر مژ فرودین / بپاشانده از رزم، تن دل زکین. بزرگان به شادی بپاشانند / می و جام ورا مشکیزان خوانستند. چنین روز فرخ از آن روزگار / برسانده از آن سروران با دگار. نوروز که بازندگی مردم ایران پیوند داشته است، سالیان سال برجای ماند و با مراسم و آئین پرشکوهِش به بخشی از فرهنگ و سنت ملی ما تبدیل شد. بزرگویی اوضاع، جایجایی حکومت ها، هجوم های خون آلود و زوال و پیدایی مذاهب، هیچکدام نتوانست نوروز را از میان ببرد. نوروز که خاستگاهش در تولید جامعه بود و توسط توده های خلق پیاسی داشته میشد، علیرغم همه حوادث، برجای میماند. تنها در یک دوره کوتاه تاریخی، زمانی که مردم ایران زیر یوغ سلطه امویان اشغالگر قرار داشتند، از برگزاری این مراسم جلوگیری میشد، ولی مدت زیادی نگذشت که با همت مردم، این آئین ها بار دیگر احیا شد. نوروز در تاریخ خلق های ایران همواره به مثابه جشن و شادمانی توده های، سنگری برای مقابله باستم بیگانگان و خودکامان بوده است. این جشن ها، جلوه ای از عزم و اراده شادی و امید و رزم و پایداری خلقی است که با نوشدن سال، در راه زندگی سعادت مندانه تر، تلاشی تازه را آغاز میکند.

حاکمان شیپکار قرون وسطایی جمهوری اسلامی نیز همانند اسلاف نابکار شان با همه نظر فرهنگ ملی ما و از جمله برگزاری مراسم سنتی نوروز به اشکال گوناگون، به ستیز برخاسته اند. اما در تمام سالهای اخیر مردم ایران با برپایی باشکوه آئین های نوروزی و سال نو، به مخالفت و اعتراض آشکار علیه سران حکومت جهل و تاریک اندیشی ایستاده اند. جوانان فدایی این جشن باستانی را به همه مردم ایران از صمیم قلب تهنیت میگویند و امید دارند که در سال نو با کثرت مبارزات حق طلبانه مردم قهرمان ایران، شاهد پیروزیهای پربار در راه رهایی و شکوفایی میهن مان باشیم.

کارنامه رژیم و مبارزات جوانان	صفحه ۶ و ۷
تبلیغ شفاهی در میان توده ها	در صفحه ۳
کنگره تاریخی کمونیستهای شوروی	صفحه ۵
ورزش در زنجیر "مکتب"	صفحه ۴
بحران فاجعه بازیگری	صفحه ۱۲

# مرگ بر خمینی جنگ افروز؛ زنده باد صلح!

جوانان اعلیٰ جنگ...

راستی باید و برای آنکه مردم از ابعاد جنایتش با خبر شوند، فرزندان آنان را در مکانهای بی نام و نشان و گورهای دسته جمعی بخاک می سپارند. بیمارستانها از مجروحین جنگی، که بسیاری از آنها هرگز بهبود نخواهند یافت، انباشته است. هزاران تن بر اثر بمبارانهای شیمیایی بنحو دردناکسی سوخته اند. رژیم خمینی همه نیروی خود را برای بر کردن جای جوانانی که بر اثر آتش جنگ قتل عام میشوند، بکار گرفته و همه مردم را به "شهادت" فرامیخواند. جوانان رادسته دسته در لشکریهای "کربلا" که با زور و تطمیع و فریب سرهم بندی شده اند به جبهه ها میفرستند تا چند صباحی دیگر بدنهای پاره پاره آنها را با زگردها نند. خمینی در سخنرانی ماه گذشته خود گفت که زمان نیز با دیدن رفتن به جبهه آماده باشند. او قصد دارد این جنگ را حتی به بهای نابودی همه مردم ادامه دهد. اما جنگ تنها گشتار جوانان نیست. جمهوری اسلامی همه نیروهای ملی و امکانات اقتصادی کشور را در خدمت جنگ قرار داده است. بحران ساتاپای اقتصاد رژیم زاف گرفته و این بحران که با کاهش قیمتهای نفت ایجاد همه جانهای یافته و با هر روز ادامه جنگ تشدید میشود، زندگی راتهدید میکند. کارخانجات تبدیل نبودن ارز و مواد اولیه تعطیل میشوند و سرمایه داران کارگران رادسته دسته به خیا با آنها می ریزند. کشاورزی کشور

ورسکته شده و دهقانان آواره شهرها شده اند. رژیم مجبور است برای تامین حداقل نیازهای عموم واردات را گسترش دهد. اما برای این واردات ارز نیست. در حالیکه زحمتکشان کشور ما زفق و گرسنگی رنج می برند، جمهوری اسلامی بنفست را بنفست ارزاترین بها به حراج گذارده تا خرج ماشین جنگی خود را تامین کند. ماه گذشته رژیم بنفست را دزدانه بشکاهی ۹ تا ۱۳ دلار بغروش رسانده است. میهن عزیز ما هر روز ویران تر میشود. و در این بزرگ راجدی نیست. جنگ تنها برای رژیم خمینی، تجار و سرمایه داران برکت و رحمت است. تنها آنها از "برکت" این جنگ بر شوتهای افسانه ای خود میافزایند. نصیب زحمتکشان کشتار و فقر و فلاکت عظیم است.

مردم خواهان برقراری فوری صلح اند، اما جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف ارتجاعی خود همچنان بر ادامه جنگ و کشتار و فشار میبندد. یگانه راه پایان بخشیدن به این جنگ و نجات میهن جنگ و هر فریاد علیه رژیم، بخش هر علامه و تراکت نوشتن هر شعار بر ضد جنگ و هر اقدام اعتراضی دیگر تقویت جنبش صلح طلبانه مردم در برابر دیو جنگ و ارتجاع جنایتکار است.

جوانان از هر طریقی که میتوانند علیه این جنگ ارتجاعی بپا خیزند.

تظاهرات بزرگ...

تسلیماتی جمهوری اسلامی راتکه تکه ولگدمهال کردند. آنها مانع از ورود ماشین کمیتت چیها ل به خیابان بلوار میشدند. در یکی از این راهبندنها بین دانش آموزان و پاسداران درگیری شد. مزدوران پاسدار تلاش کردند که تعدادی از جوانان را با خود ببرند ولی موفق نشود. تظاهر کنندگان ماشین آنها را محاصره نمود و جوانان را آزاد ساخت رژیم که در مقابل دانش آموزان و نظامیها سرتاش خشمگینانه شان غافلگیر شده بود، از هر عکس العطنی عاجز مانده. بعد از ظهر در برخی مراکزی که تجمعهای کوچکتر دانش آموزان همچنان تظاهرات میکردند، مورد حمله کمیتت چی ها قرار گرفته و تعدادی از آنها دستگیر شدند. فدای آن روز هم سپهاساه پاسداران از مدارس تهران لیست اسامی شرکت کنندگان در سابقه را درخواست نمود تا به دستگیری تعداد دیگری از دانش آموزان اقدام کند.

آخر نشان داد که حضور عناصر آگاه و سازماننده در این حرکات چه نقش و اهمیت می تواند داشته باشد. آنها با پیش بینی از قبل و آماده گیهای لازم، با تشخیص درست لحظه ها، انتخاب شعارهای مناسب، انتخاب دستکیکهای ضرور برای گسترش تظاهرات، خنثی کردن حمله مزدوران رژیم و جلوگیری از حرکات حساب نشده، میتوانند در برائی و شریختن کردن این اعتراضات، عمیقاً موثر باشند. جمع بندی تجارب مثبت و منفی پیشگامان در این اعتراضات باید در خدمت حرکاتی که بی شبهه در آینده هم بوجود خواهد آمد، قرار گیرد.

تجربه نشان میدهد که فعالیت هایی که پس از تظاهرات صورت بگیرد نیز به اندازه خود تظاهرات اهمیت دارد. رژیم در همه این موارد تلاش کرد تا تا بلوکه کردن حادته با سرپوش گذاشتن بر آن آثار را خنثی نماید. از این روقعایت تسلیمی ما بصورت رسانیدن سریع خبر تظاهرات به مردم، توضیح دلایل آن، شعارهای تظاهرات و توضیح سرکوبگری و خشیانه مزدوران، باید تلاش رژیم را رقیمت گذارده. اشکال گوناگون این کار، چون بخش تراکت و اعلامیه، تلفن به شهرستانها و بخش افواهی خبر و... می تواند در خدمت این امر قرار گیرد. اقدامات و ارائه رهنمودهای لازم جهت جلوگیری از سرکوب های بعدی رژیم، اعلام خبر دستگیری ها و جلب همبستگی مردم در مبارزه بفرای آزادی آنان نیز از جدی ترین وظایفی است که باید پیگیریته دنبال کرده. جوانان و مردم در این لحظات حساس است که در نتیجه عملی خود مشاهده میکنند، کدام سازمانها، چگونه به حمایت از اعتراض و مبارزه بر حق آنها برخاسته اند.

بی شبهه اعتراضات و مبارزه جوانان در سراسر کشور به اشکال مختلف و در عرصه های دیگر ادامه خواهد یافت. بی شک آنها که بیگمیرتتتتتت و انقلابی ترین مدافع حقوق جوانانند، همچنان با هشاری و با تمام قوا در این میدانها حضور موثر خواهند داشت.

حرکات هراس آلود و شتابزده...

حرکات هراس آلود و شتابزده مزدوران جمهوری اسلامی در جریان این تظاهرات و پس از آن، نشانه ای جدی از عجز و ناتوانی رژیم در مقابل اعتراضات توده ای است. مزدوران اسلحه به دست رژیم در مقابل تظاهرات وسیع توده ای علی رغم همه سببیت شان در چنین حقیر و دچار سرکبیچه میشوند. این تظاهرات بار دیگر نشان داد که در میان جوانان چه نفرت عظیمی نسبت به رژیم خمینی است. اسلامی وجه زمینه آماده ای برای اعتراض و مبارزه علیه وجود دارد. جوانان که ریشه همه مطالب و جنایات و سیا هر روزی و بی آینده گی زندگی خود را در وجود این رژیم ضد مردمی و قرون وسطائی می بینند، چرا که زمینه ای فراهم شود به مبارزه و درگیری با مزدوران رژیم می بردارند. این پتانسیل عظیم مبارزاتی، وظایف فوق العاده سنگینی را بر دوش فعالین پیشگام قرار میدهد.

تجربه تظاهرات آلمدیته، ۱۳ آبان و تظاهرات

تجربه نشان میدهد که حضور فعالین آگاه و سازماننده در این حرکات چه نقش و اهمیت می تواند داشته باشد. آنها با پیش بینی از قبل و آماده گیهای لازم، با تشخیص درست لحظه ها، انتخاب شعارهای مناسب، انتخاب دستکیکهای ضرور برای گسترش تظاهرات، خنثی کردن حمله مزدوران رژیم و جلوگیری از حرکات حساب نشده، میتوانند در برائی و شریختن کردن این اعتراضات، عمیقاً موثر باشند. جمع بندی تجارب مثبت و منفی پیشگامان در این اعتراضات باید در خدمت حرکاتی که بی شبهه در آینده هم بوجود خواهد آمد، قرار گیرد.

تجربه نشان میدهد که فعالیت هایی که پس از تظاهرات صورت بگیرد نیز به اندازه خود تظاهرات اهمیت دارد. رژیم در همه این موارد تلاش کرد تا تا بلوکه کردن حادته با سرپوش گذاشتن بر آن آثار را خنثی نماید. از این روقعایت تسلیمی ما بصورت رسانیدن سریع خبر تظاهرات به مردم، توضیح دلایل آن، شعارهای تظاهرات و توضیح سرکوبگری و خشیانه مزدوران، باید تلاش رژیم را رقیمت گذارده. اشکال گوناگون این کار، چون بخش تراکت و اعلامیه، تلفن به شهرستانها و بخش افواهی خبر و... می تواند در خدمت این امر قرار گیرد. اقدامات و ارائه رهنمودهای لازم جهت جلوگیری از سرکوب های بعدی رژیم، اعلام خبر دستگیری ها و جلب همبستگی مردم در مبارزه بفرای آزادی آنان نیز از جدی ترین وظایفی است که باید پیگیریته دنبال کرده. جوانان و مردم در این لحظات حساس است که در نتیجه عملی خود مشاهده میکنند، کدام سازمانها، چگونه به حمایت از اعتراض و مبارزه بر حق آنها برخاسته اند.

بی شبهه اعتراضات و مبارزه جوانان در سراسر کشور به اشکال مختلف و در عرصه های دیگر ادامه خواهد یافت. بی شک آنها که بیگمیرتتتتتت و انقلابی ترین مدافع حقوق جوانانند، همچنان با هشاری و با تمام قوا در این میدانها حضور موثر خواهند داشت.

**تبلیغ شفاهی در میان توده‌ها**

"تبلیغ" رکن بسیار مهم فعالیت کمنیستی و وسیله بیوند نیروی پیشرو با توده ها است. کمونیست‌ها از هر لحظه و موضوعی به بهره میگیرند تا زحمتکشان را نسبت به منافع آتی و آشی خود آگاه گردانند. آنها را با آگاهی سیاسی و طبقاتی مجهز سازند و دوست و دشمن مردم را به آنها بشناسانند.

تبلیغ اشکال، شیوه ها و روشهای مختلفی دارد. فروش یا پخش روزنامه، توزیع اعلامیه، تراکت، نماییوستر، شعار نویسی، اجرای تئاتر نمایش فیلم، سخنرانی و یا صحبت شفاهی رودر رو در محیط کار و تحصیل و در میان خانواده و دوستان و یا در شکلها، اشکال مختلف فعالیت تبلیغی هستند.

تبلیغ شفاهی در میان اشکال مختلف تبلیغ جایگاه ویژه ای دارد و بدلائیل متعدد یکجانبی از موثر ترین نوع تبلیغ در شرایط دشوار فعالیت انقلابی است. تبلیغ شفاهی در صورت ناگرایگری موثران، قادر خواهد بود خلائی از کمبود دیگر اشکال تبلیغی را جبران کند، رابطه سیاسی میان فعالین انقلابی و توده ها را گسترده و مستحکم تر سازد.

در شرایط امروز جامعه ما که جو خفقان و دیکتاتوری برفضای کشور حاکم است، توجه به اهمیت بزرگ کار تبلیغ شفاهی در میان توده ها برای هرفعال انقلابی بسیار ضروریست. در همین رابطه است که امکانات وسیعی برای برقراری پیوند نزدیک با توده های جوانان و دیگر مردم، بردن موثر آگاهی سیاسی به میان آنها و سازماندهی و هدایت حرکات و مبارزات آنان فراهم می آید. نگاهی به ویژگیهای این شکل تبلیغ خودگوییای توجه و تاکیدات باید شده است.

یکی از محاسن تبلیغ شفاهی آن است که بصورتاً و بلاواسطه با مخاطب یا مخاطبین رابطه برقرار میکند. امر به تبلیغ امکان میدهد تا از طریق بحث و گفتگو و استدلالهای لازم و با بهره گیری از مثالهای زنده و روزمره، در جهت اثبات حقایق نظرات خود و قانع کردن مخاطب به پیش رود.

در تبلیغ شفاهی میتوان نسبت به مناسبی و اتفاقات جاری کوچک و بزرگ در هر محیط بلافاصله روشنگری و موضعگیری نمود. در شرایطی که بحثهای مختلف مربوط به مشکلات مردم و مسائل سیاسی روز بویژه جنگ در همه جا درگیر است و ذهن مردم را بخود مشغول داشته، مبلغ میتواند متناسب با موقعیت خود، بصورتی فعال و موثر در بحثها شرکت جوید، از دیگر مسائلی که در محل اتفاق افتاده و تجاری که توده ها خود شاهد آن بوده اند، بهره گیری و گستر افشاگرانه و آگاهانه را بطور همه جانبه ای به پیش ببرد. مبلغ میتواند جهت مطرح شدن در میانها را با مبایل اصلی اجتماع و سیاسی، با موضوعات مورد نظر برای تبلیغ پیوند دهد.

در تبلیغ شفاهی مبلغ قادر است با تمام شور، عواطف و احساسات خود مسایل را مطرح سازد و توجه مردم را به موضوع تبلیغ جلب نماید. "ما کار رنگو" می گوید که هیچ ابزاری جز انسان معتقد و پویا و با احساس نمی تواند شور و هیجان را بوجود آورد. در این رابطه شخصیت فرد مبلغ نقش بسیاری در تاثیر بخشی تبلیغ ایفا میکند.

و بالاخره تبلیغ شفاهی این امکان را فراهم می آورد که با ادامه کاری و پیشبرد برنامه معین تبلیغی - در محیط کار و تحصیل، در محله و میان دوستان و نزدیکان و بویژه درون شکلها - طبعی بروسه ای مستمر، روی افراد با جمع تاثیر آگاهگرانه مطلوب بر جای گذاشته شود. پیوندهای ارزشمندی برقرار شود و نیز در سمت دهی و سازمانگری حرکات و اعتراضات تاثیر عملی و مستقیم صورت گیرد. شرایط بحرانی حاکم بر جامعه ما از نیروهای آگاه و پیشرو فعالیت خستگی ناپذیر و مستمری را میطلبد. امروز هر سخن افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی، هر کلام در جهت تبلیغ مواضع فداشیان خلق و همدردی به مبارزه با رژیم جنایتکار خمینی و در یک کلام با شانیدن هردانه بذر آگاهی، در تقویت مبارزه توده مردم و سمت دهی آن بسوی یک جنبش هدفمند و آگاهانه نقش موثر دارد. در جریان چنین فعالیتی است که جوانان پیشرو میتوانند پیوندهای خود را با جوانان تحکیم بخشند، اعتراضاتشان را سازماندهی کنند، اعتماد آنان را جلب کرده و بتدریج به رهبران مبارزات جوانان بدل شوند. این وظیفه، وظیفه ای انقلابی و همیشگی است.

فدراسیون جهانی کشتی آخطار کرده است در صورت تکرار اقداماتی نظیر آنچه که بدستور ایادی رژیم در مسابقات کشتی بود است انجام گرفت، کشتیگیران ایران را از حضور در مسابقات بین المللی محروم خواهد کرد. چندی پیشتر نیز جمهوری اسلامی بدلیل اصرار بر اجرای "احکام اسلامی" در مسابقات ورزشی شانس میزبانی مسابقات جوانان آسیا در سال جاری را از دست داد.

داودی شمس قبل از برکناری و بهنگام معرفی مصطفی داودی اعتراف کرد که: "باید اذعان کنیم کار مشتبه صورت نداده ایم. نتیجه "مکتب کردن ورزش به انهدام ورزش ایران انجام میدهد. رژیم بجای گسترش ورزش در میان جوانان همه تلاش خود را برداشته است و ورزش و ورزشکاران و ورزشدوستان قرار داده است و گسترش ورزش را مانع حضور جوانان در جنبه ها و نمازهای جمعه و پرورش نسل تکشبی میداند.

در حال حاضر بزرگترین معضل جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف ارتجاعی و ضد ورزشی اش، اعتراضات و مخالفت رشدیابنده ورزشکاران و ورزشی - بقیه در صفحه ۱۱

**ورزش در زنجیر "مکتب"**

رژیم داودی شمس سرپرست سازمان تربیت بدنی و چهره مشهور جامعه ورزشی ایران را از کار برکنار کرد و شخص دیگری بنام احمد درگاهی را به جای او نشاند. قبل از آن نیز مصطفی داودی چهره مشهور دیگر سرورئیس سابق تربیت بدنی به سمت رئیس جدید دفتر مشترک فدراسیون های ورزشی برگزیده شده بود. تغییر و تحولات بی دردی در سازمان تربیت بدنی نشان وجود کشاکش باندهای مختلف سر درگم وی - برنامه و نتوان و بویژه وحشت و هراس رژیم از گسترش اعتراضات و ورزشکاران و ورزشدوستان است. رژیم جمهوری اسلامی که ورزش را تنها بسرای نمایش عکسهای خمینی و "مدور انقلاب" لازم دارد، در پیشبرد سیاست خود در همه زمینه ها با ناکامی و بی آبرویی مواجه شده است. این سیاست ارتجاعی موجب رسوایی گسترده رژیم در سطح محافل ورزشی جهان و اعتراض سازمانها و کمیته های بین المللی ورزشی گردیده است. از آخرین نمونه های آن اظهار فدراسیون جهانی کشتی به کمیته المپیک ایران است

۳۰ فروردین ماه ۱۳۴۶، ۷ تن از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران و ۲ نفر از رهبران مجاهدین خلق ایران در زندان اوین طی یک توطئه ناجوانمردانه ترور شدند.



### آزوبخی خطوط سیمای این رهبر فدائیان خلق

زمینه مثال زدنی است، این ستار فداشيان خلق از او آموختند و با نقد آثارش وزدون خطاها بی که در نظریاتش وجود داشت، سازمان را تکامل بخشیدند.

"جزنی" شخصیتی به غایت مقاوم در مقابل دشمن داشت. برای او مقاومت، تنها ایستادگی فردی در زیر شکنجه نبود، بلکه او در تراز رهبر فداشيان خلق، تمامی زندان را به یک لشکر رزمجو در مقابل دشمن تبدیل کرده بود. به همت او و دیگر رفقا فضای ایجاد شده بود که تزلزل در آن زشت و ندامت شده بود محکوم بود. این فضا در برابر تعرض پلیس به زندان، نیان قرار داشت، زندانیان با اعتصابات، اعتراضات و درگیریهایشان، قدم به قدم پلیس را به عقب رانده و امتیازات مختلف صنفی و سیاسی میگرفتند. مهمترین جوهر این ایستادگی به اعتقاد او تحکیم رابطه زندان با جنبش بود تا مبارزین با الهام از مبارزات توده ها، وظیفه خود را در آن محیط به خوبی انجام دهند. سختی را که جزنی در زندانهای ایران پایه گذاشت، اینست شاکردانش یعنی "رضی" ها در شرایطی دیگر پاس میدارند و تکامل می بخشند.

رفیق جزنی، انقلابی فوق العاده منضبطی بود و تمام اوقات زندگی را بر برنامه ریزی و زمانبندی دقیق پیش می برد و به این ترتیب میتوانست کار فشرده و سنگینی را انجام دهد. برای همه کسانی که با او زندگی میکردند، آموزنده بود که او چگونه با استفاده حداکثر از همه امکانات و در شرایط مختلف واکرا! دشوار، از وقت و انرژی اش شمر بیشترین بهره را میگرفت.

رفیق جزنی دارای شخصیتی همه جانبه بود. به هنر و ادبیات و فرهنگ توجه زیادی داشت، نقاش بود و برخی از تابلوهایی که در زندان کشیده بود هنوز هم موجود است. موسیقی را خوب میفهمید و با ادبیات آشنایی جدی داشت و همواره افسوس میخورد که فرصت برای نقد آثار هنری نداشت. ورزش را هیچگاه در زندگی فراموش نمی کرد.

بیژن نمونه ای عالی از شور انقلابی بود. شادی و غم برایش این طور معنای داد که چگونه و چقدر در انجام وظایفش در مقابل مردم جنبش موفق بوده است. این قدرت در وجود او بود که مسایلی را نه فقط محدود کرده امروز که در چشم انداز آینده نیز مشاهده کند. اعتقادی عمیق به مبارزه داشت و اینکه جنبش قادر است برصفت هایش غلبه کند، آنها را تصحیح کند و پیش برود.

دژخیمان رژیم شاه که از او گفیری مبارزه توده ها دچار هراس شده بودند و در جبهه جزنی ویا رانش رهبران این جنبش را می دیدند، در یک توطئه جنایتکارانه به ترور آنان اقدام نمودند. اما آرمان و اندیشه جزنی را از زمانی که او بنیادش گذارده بود، با سرفرازی بی گرفت.

نزدیک به ۱۰ سال از سالهای پایانی عمر رفیق "بیژن جزنی" در زندانهای رژیم شاه جلاد سپری شد. این سالها، در عین حال، از فعالترین دوره های مبارزاتی زندگی کوتاه رفیق جزنی بود. در نگاه اول ممکن است این حکم غیر واقعی بنظر برسد، چون اساساً زندان برای آن است که استقلال بیون را از محیط زندگی روزمره و مبارزه توده ها دور کند، متفلسخ سازد و سپس او را تسلیم نماید. اما کار بزرگ بیژن همین بود که زندانها را به دانشگاه انقلاب تبدیل کرد. او با دنبال کردن میراثی که از مقاومت و استواری افسران توده ای برجای مانده بود، محیط زندان را به دانشگاهی برای آموزش ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی جوانانی تبدیل کرد که در آینده آنان رهبران و کادرهای سازمان فدائیان خلق را می دید. به اعتقاد او، زندان به سرآوردن یک دوره محکومیت اجباری نبود، بلکه ادامه فعالیت مبارزاتی در شکل و شیوه ای دیگر بود. زندگی خودی در زندان، الگویی والا از همبستگی و اعتقاد بود.

رفیق جزنی بیش از هر چیز، نسبت به مسایلی جنبش و جامعه حساس بود و با استفاده خلاقانه از همه امکانات تلاش داشت تا این رابطه را تحکیم کند. وقتی زندانی جدیدی را می آوردند، روزهای زیادی را با او میگذراند و بر حسب موقعیت توجیه تازه وارد، سوالات مختلف از او میکرد تا نسبت به آخرین مسایل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه روحیات مردم، عکس العمل مبارزات سازمان فدائیان در میان مردم، تجارب دستگیر شدگان و با زوچویی و نقطه نظرها و مسایلی سایر سازمانها، اطلاعات کسب کند. او حتی زمانی که به زندان عادی قم تبعید شده بود هم توانست در معاشرت با زندانیان آن وجسجوی موشکافانه در زندگی آنها یک کار تحقیقی جامعه شناسانه و ارزشمند درباره روستائیان آن منطقه انجام دهد. از طریق سابق ملاقاتی هاسعی میکرد تا آخرین خبرها را دریافت کند. امکانات سایر رفقا را هم سازماندهی میکرد.

و مطالب مختلف مربوط به جنبش را به داخل زندان می آورد. استفاده دقیق او از روزنامه های رژیم برای همه جالب توجه بود. او تمام سعی اطلاعاتی را یادداشت میکرد و به شیوه های درست به استنتاج از آنها می پرداخت. وقتی به آثاری که در زندان تالیف کرده است مراجعه کنیم، عظمت کار او به خوبی قابل درک است. این حسن و خصوصیت برجسته او که همواره در حال جستجو و پژوهش در زندگی مردم، با استفاده از تمام امکانات بود، به وی امکان میداد که واقف گرایایی برجسته ای در اندیشه و کارهایش داشته باشد. یکی از خصوصیات بارز رفیق جزنی، برخورد انتقادی اش با پدیده ها بود. مبارزه را به شکلی زنده و در حال جریان میدید و لذا آماده بود تا با شناخت همه جانبه آن مسایل، نظرات خودش را نیز با شهامت به نقد بکشد. برای اینکه یک نارسایی را کشف کند و اشکالات را بشناسد، با تیزبینی و حوصله کار میکرد و وقتی آنرا می شناخت، علیرغم شرایط دشوار به مبارزه با آن برمی خاست. نقد نظرات رفیق مسعود احمدزاده، توسط او در این

**زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!**



### کنگره تاریخی کمونیستهای شوروی

روز سه شنبه ۶ اسفند ۱۳۴۶، بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی گشایش یافت. ۴۹۹۲ دس تا کنکره منتخب کنگره جمهوری ها و کنفرانس های حزبی منطقه ای و ایالتی در این کنگره حضور داشتند. ۳۵ سال از کارگران، کالوزیها، فعالین ساختمان عظیم خط آهن بایکال - آمور، آبادگران مناطق سیبری و زحمتکشان فکری تشکیل می دادند. هیاتهای نمایندگی ۱۵۲ حزب کمونیست و نیروهای ترقیخواه و دمکرات جهان از ۱۱۳ کشور دنیا و همچنین تعدادی از سازمانهای بین المللی مثل شورای جهانی صلح فدراسیون جهانی هندیکایی کارگران، فدراسیون بین المللی زنان، فدراسیون جهانی نسبی جوانان دمکرات، اتحادیه بین المللی دانشجویان و... در کنگره شرکت نمودند. از ایران رفیق فرخ نگهدار، دبیر اول سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و رفیق علی خاوری دبیر اول حزب ستود ایران در کنگره حضور داشتند.

در پیام خوشامدگویی کنگره اعلام شد: "ما از ملاقات مجدد با برادران ن طبقه ای خود، مبارزان شجاع ایده های کمونیسم، منافع زحمتکشان و صلح و دموکراسی برای همه بشریت خوشحالیم. قلب ما با آنهایی است که امروز در سیاه چالها و زندانها رنج می کشند و بیخاطر ایده های ترقیخواهانه مورد پیگرد سرکوب قرار می گیرند. ما مطمئنیم که آنها هم صدای کنگره مناسا صدای هندیکایی کمونیست های شوروی را خواهند شنید" سخنان میخائیل گارباچف دبیر اول حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارش سیاسی، نظری از عزم و اراده زحمتکشان شوروی، تلاش چندده ساله آنان در ساختن سوسیالیسم و عشق و علاقه به این محصول افتخار آمیز مغزها و دستهایشان بود. وی گفت: "از زمان تصویب برنانه موجود حزب تا کنون جا همه شوروی در راه پیشرفت خودکامیهای بزرگی برداشته است. ما در اهمیت امر کشور را از نوسا ختم، به پیشرفت های عظیمی در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی تسلیم جوانان - این ایجا دگران جامعه نوین - نایل آمدیم. راه بشریت را به کیهان گشودیم، توانان نظامی - ارتشهای بزرگ را با برقراری ختمی منقشه ای و تها و زگرانه و امکانات امپریالیسم را در برابر فوختن جنگ هسته ای بطور محسوسی محدود ساخت. " میخائیل گارباچف ضمن ارزیابی شایسته از راه رشدی شده کشور دوستان - ده های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن می افزود: "وظیفه بزرگی پیش روی ماست، چگونه، تسوان در ابرم وقت، پدیده های منفی را از راه پیشرفت اجتماعی - اقتصادی با همه برداشت و به آن تحسرك و سرعت لازم را بخشد، با پیدا گذشتن حداکثر درس را گرفت تا تصمیمات برای آینده حداکثر دقیق و با مسئولیت بوده و عملکرد مشخص هدفمند و موثرتر داشته باشد. " شرکت کنندگان در کنگره، سیاست صلح جوینان اتحاد شوروی را در مقابل با جنون جنگ - افروزی امپریالیسم و تضمین آینده روشن و سعادت مند بشری و میمون داشتن آنان از شعله های نابودکننده جنگ هسته ای را مورد تاکید قرار دادند. کنگره متسین جدیدترانه و تغییرات اساسی همه حزب کمونیست شوروی، گزارش سیاسی کمیته مرکزی و برنانه ۵ ساله کشور را به تصویب رسانید و راستاهای اساسی حرکت

ورشدا قتمادی اجتماعی جامعه شوروی را تا سال ۲۰۰۰ یعنی آستانه قرن ۲۱، مبین نمود. دستاوردهای کنگره نویدبخش پیروزیهای با زهم بیشتری در همه عرصه های زندگی جامعه شوروی است. تجدید بنی بنیادین پایه های علمی، فنی، تکمیل بر اساس دستاوردهای انقلاب علم - فنی، تکمیل مناسبات اجتماعی و بویژه اقتصاد، تحولات عمیق در مضمون و خلعت کار و شرایط زندگی مادی و معنوی مردم و فعال کردن همه دستگاه سیاسی و اجتماعی و آید شولوزیک، خط مشی استراتژیک حزب و چشم انداز درخشانی است که با اطمینان در برابر همه مردم و نسل جوان شوروی گشوده است.

دبیر اول کارما مول ( اتحادیه بینین جوانان شوروی ) طی سخنرانی خود در کنگره از توجه حزب به کار جوانان که در گزارش سیاسی، و استاد برنانه های مطرح شده است، تشکر کرد و با اعلام حمایت تمام جوانان کشور از این اسناد گفت: " جوانان شوروی با کار عملی فعال و توانی می توانان در امر استراتژی تسریع پیشبینی به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور مشارکت خواهند ورزید. " وی اعلام داشت که ما اطمینان می دهیم " کارما مول " و جوانان شوروی با چنان انرژی و شوقی به این کار دست می زنند که ساختن خط راه آهن سراسری بایکال - آمور را انجام دادند. برنانه مصوب کنگره ۲۷ اسفند ۱۳۴۶ مهم در رابطه با مسایل جوانان تعیین نموده است. از آن جمله پیرامون اصلاحات آموزشی، در تعلیمات عمومی و حرفه ای کشور چنین آمده است: " این اصلاحات بر گسترش خلاقانه اصول لنینی مبتنی است. این تحول سطح آموزش و تربیت جوانان را هر چه بیشتر ارتقا می دهد و مادگی آنان را برای زندگی مستقل افزایش داده و گذارند ریجی به تحصیلات حرفه ای عمومی را محقق می سازد. مدرسه باید به دانش آموزان عشق به میهن، احترام به بزرگان، والدین و آموزگاران را بیا موزد و آنها را با روحیه احساس مسئولیت در قبال کیفیت کار و تحصیل و رفتار خود تربیت کند... در انطباق با نیازهای پیشرفت علمی، فنی و اجتماعی، سیستم تحصیلات متوسطه، تخصصی و عالی گسترش هر چه بیشتر خواهد یافت. این سیستم باید بلافاصله و به موقع به مطالبات تولید، علم و فرهنگ پاسخ گوید. نیازهای اقتصادی کشور را به متخصصین مجرب و دارای پختگی آید شولوزیک و سیاسی و مهارتهای مورد نیاز در عرصه سازماندهی تولید تعیین کند. حزب به گسترش سیستم ارتقاء تخصص اهمیت زیادی می دهد. در کنار آموزش غیایی و شبانه روزی برای ادا مه تحصیلات، بسری گسترش و تجدید مدام دانش و برای ارشدهای فرهنگ عمومی و سطح حرفه ای همه زحمتکشان شرایط مساعدی فراهم خواهد نمود.

برگزاری کنگره ۲۷ پیروزی بزرگ مردم اتحاد شوروی است. اسناد مصوب کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی همان نظر نقشی که در تسریع پیشرفت اقتصادی - اجتماعی اتحاد شوروی در راستای تکمیل ساختمان سوسیالیسم و گذارند ریجی به کمونیسم ایفا می کند و همان نظر تا شیر بین المللی تصمیمات و نقشی که در بهبود اوضاع جهانی و تقویت مبانی صلح و امنیت جهان ایفا می کند، اهمیت عظیم دارند.

## کارنامه رژیم و مبارزات جوانان

سال ۶۴ به پایان رسید. سال گذشته مصداق بود با سال بین المللی جوانان، رویداد بزرگ سال روزگاری دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان در مسکو بود. بدین جهت مسایل و خواستههای جوانان بیش از پیش مورد توجه جهانیان قرار گرفت. مردم ت قسواء جهان بشتیبا و همبستگی پرشور خود را از خواستهها و مبارزات جوانان همه کشورهای ابراز داشتند.

در ایران، سال گذشته نیز رژیم جنایتکار خمینی جز جنگ، کشتار، اختناق و فقر و بیکسای و آینههای سیاه و تاریک برای جوانان ر ه آورد دیگری نداشت.

فهرست طولانی جنایت و خیانت خمینی شادی عید پارسال را در دریای زخون غرق ساخت. رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق با سبوان و حشیانه شهرهای دو کشور، که به "جنگ شهرها" مشهور شد، کشتار و ویرانی عظیمی براه انداختند. آنها حیات و جانواران کارانه رژیم در سرتاسر سال ادامه یافت و در هر کجای که از آنان هزاران جوان به خاک غلطیدند، رژیم برای ادامه جنگ دست به سر بازگیری وسیع و گسترده ای زد. ما موران رژیم درهر شهر و روستا درهر کوی و برزن به شکار جوانان پرداختند. مشمولین قرار یی مورد شدیدترین شرفا قرار گرفتند. تیرباران، مصلوبین درجهها گسترش یافت. درکنار تبلیغات وسیع جنگ طلبانه درجامه و بویژه مدارس رژیم خمینی طرح آموزش نظامی اجباری در دبیرستانها را مستطور گشتادن دانش آموزان به جبهه طراحی کرد. طی ماههای اخیر رژیم عملیات گسترده ای را برای بسیج جوانان به نام "راهیان کربلا" براه انداخت. آخرین تهاجم سپاهیان خمینی به نام عملیات والفجر ۸ و ۹ باعث کشتار وسیع جوانان شد و خانواده های بسیاری را در آستانه عید عزازار خرد. خمینی سال ۶۴ را با کشتار آفاق کرد و با کشتار به پایان رساند.

طی سال گذشته یورش وحشیانه رژیم بینه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک جوانان ادامه یافت. رژیم کوچکترین ندای آزادیخواهی را با گلوته و سرکوب پاسخ گفت. سازمانهای سیاسی و جوانان انقلابی تحت شدیدترین شرفا و پیگردها قرار گرفتند. هرگونه فعالیت سیاسی جوانان، بجز فعالیت در زیر بیرق ارتجاع بیرحمانه سرکوب شدند. همچنان از مبارزین انقلابی لبریز بود. شکنجه های وحشیانه بطور بیسابقه ای ادامه یافت. زندانیان از حداقل شرایط زیستی انسانی محروم بودند. بدستور خمینی گروه گروه مبارزین انقلابی به جوخه های اعدام سپرده شدند. از جمله میتوان از اعدام جنایتکارانه رفیق قهرمان رضی الدین تابان، از رهبران فدائیان خلق و عظمی کیمته مرکزی و دبیر سازمان جوانان فدائیان خلق ایران (اکشویت) نام برد.

خمینی در ۲۶ فروردین کیمته حیوانی و تفسر روزافزون رژیم آزادیمنشویان و دانش آموزان را ببار دیگر آشکار ساخت و گفت: "همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است. ریشه همه گرفتاریهای ما از دانشگاه بود" و... از دانش آموزان را از دروازه کودکی و مدرسه زیر نظر گرفت. "باین اساس عمل رژیم حداکثر تلاش خود را بکار بردند تا مراکز آموزشی را در موجی از سرکوب و اختناق غرق سازند. جاسوسان و تخمینهای اسلانی دانشگاهها و مدارس بیه شکایو افتادند. رژیم آکین نامه های بی درپسی سرکوبگرانه علیه دانشجویان و استادان را بیه

تصویب رساند. کیمته های انتضاطی در دانشگاهها ایجاد شد. دستور بازرسی بدنی دانش آموزان و کشیدن سیم خاردار روی دیوار مدارس مساندر گردید. برای جلوگیری از ورود دانشجویان آگاه و مترقی به دانشگاه برکنترل ارتجاعی و ضوابط پلیسی تنگوار افزوده و گزینش دانشجو را به ساواک واوین محول کردند. در زمستان گذشته طرح ارتجاعی تحول بنیادی در نظام آموزشی مدارس انتشار یافت. سرما به داران چپا و لگر با حمایت رژیم آموزش کشور را نرصه سودجویی های غارتگرانه قرار دادند. اجازت تاسیس مساندر عالی توسط بخش خصوصی مساندر شد. دانشگاه آزاد به مرکز چپا و لگری بدل شد و واحدهای درسی آن به قیمت های گزاف به فروش گذارده شد. از دانش آموزان به بهانه های گوناگون شهریه گرفتند. در شروع سال تحصیلی بسیاری از مالکین مدارس استجاری، با حمایت رژیم به تخلیه مدارس اقدام کردند.

کارگران و زحمتکشان جوان همچنان مورد شدیدترین ظلم و مست و استعمار قرار داشتند. جوانان کارگر گروه گروه از کارخانه ها و کارگاهها اخراج شدند. کانون کار ارتجاعی با نقض آشکار حقوق کارگران جوان در دولت تصویب شد. در کارگاههای کوچک که اکثریت کارگران آنان را جوانان تشکیل میدهند، استعمار وحشیانه بدون کمترین حتی ادامه یافت. روستا زادگان از شدت فقر و بیچارگی و تهاجم بزرگ مالکانی که با پشتیبانی رژیم به روستاها بازگشتند، دسته دسته راهی وآواره شهرها شدند. جوانان زحمتکش شهرها با انبوه ستم و بدبختی و گرسنگی و درگیری دست سست گریبان بودند. رژیم خانه های زحمتکشان خارج از محدوده رابرسران خراب کرد. دکه داران را مورد حمله و هجوم وحشیانه قرار داد.

بیکاری در میان جوانان به رقم بیسابقه ای رسید. بنسبنا به اعتبار دست اندرکاران رژیم در مه ۶۴ بیش از ۱/۵ میلیون جوان، بیکار بوده اند. این رقم در سال گذشته افزایش چشمگیری یافت.

تعرض به حقوق دختران جوان در ابعساد گسترده ای ادامه یافت. در اردیبهشت، شهرسور و مهر دستجات اوپاشان خیا بانهای تهران را در پوشش مبارزه با بی حیایی غرق کرده و به بشرفا نه ترین جنایات دست زدند. مقننه حتی در مدارس ابتدایی دختران اجباری شد. دسته دسته دختران و زنان جوان از کار جدا مانده و به کنج خانه ها روانه شدند. تبلیغ چند هسری و ازدواج موقت به سیاست رسمی حکومتی بدل شد.

ورزش کشور از دستبرد حکومت خمینی در مساندر ماند. رژیم چند بار مسابقات با شگاهای تهران و جام لیگ را تعطیل کرد. اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه در ورزشگاهها گسترش یافت. تیمهای ملی ایران بدلیل ارتجاعی و احقانه مسابقات بین المللی محروم ماندند. محدودیتهای بیشتری بر ورزش مدارس اعمال گردید.

اعتیاد در میان جوانان بطور فاجعه آمیزی گسترش یافت...

... در سال گذشته ای از دوزخی است که رژیم خمینی در این ۶۴ برای جوانان ایران فراهم آورد. گسترش بیکاری انقلابی جوانان جوانان در برابر جنایات و سفاکیهای جمهوری اسلامی ساکت ننشستند. سال ۶۴ سال گسترش روزافزون

توده‌ای خلق ایران پیوسته و فرباد مرگ بر خمینی را در سراسر میهن رساتر ساخت .  
 در این مبارزه قهرمانان سه جوانان فدا شمی فعالیت رزمجویانه و انقلابی خود را بطور چشمگیری گسترش دادند . فدا شیان جوان در تمامی عرصه ها پیشتاز مبارزات جوانان ایران بودند . آنتششار نشربه پیشگام ، ارگان سازمان جوانان فدا شمی خلق ایران ( اکثریت ) در تابستان گذشته پیسروزی بزرگی برای جنبش جوانان کشور بود . تشدید کار انقلابی و سازمان نگرانه جوانان فدایی - بعنوان تنها سازمان سیاسی فعال جوانان ایران - در بردن آگاهی سیاسی ، هدایت و گسترش مبارزات جوانان تا شیری جدی برجای گذارد . مبارزین جوان فدایی با پخش صدها هزار تراکت و اعلامیه و شعار پیام فدا شیان رو به کارخانه و محله و دانشگاه و مدرسه ، شهر و روستا و جبهه ها و میمان افشار وسیع جوانان و مردم زحمتکش ایران بردند .  
 مبارزات جوانان ایران با همه سنگی پر شور جوانان سراسر دنیا همراه بود . سازمانهای جوانان و دانشجویی کشورهای مختلف جهان حمایت بیدریغ خود را از مبارزات جوانان ایران اعلام کرده و جنبش رژیم خمینی را محکوم کردند . شرکت جوانان فدایی در استقبال مسکو و فعالیتهای گسترده آنها در سطح بین المللی نقش مهمی در افشای رژیم و تقویت همبستگی جوانان ایران با جوانان سایر کشورها برجای گذارد .  
 نگاهی به تجربه سائلهای گذشته ، چات اصلی راکه مبارزه جوانان بر بستر آن تکامل می یابد نشان میدهد : جنبش جوانان جزئی از جنبش توده‌ای مردم ایران است و یکی از جهات مهم تکامل آن بر همین بستر صورت میگیرد . مبارزه بر سطح آزادیهای دمکراتیک ، علیه بیکاری ، گرانگی ، لغو قوانین ارتجاعی و ... اما جهات این مبارزه است . در این جنبش همگانی مبارزه ملخ طلبانه جای با شغل و بسیار مهمی را دارد . در این حال جوانان با مسائل ویژه خود مواجه اند . خواسته هایی نظیر حق تشکلی حق آموزش ، حق کار ، ورزش و سایر تها زهای فرهنگی و هنری و اجتماعی و ... زندگی شاد و میناسن و سن سال جوانان عرصه دیگری است که مبارزات جوانان بر آن بستر گسترش مییابد . سرانجام باید به سمت دیگر این مبارزه که بر زمینه نیازها و خواسته های افشار مختلف جوانان صورت میگیرد اشاره کرد .  
 جوانان کارگر ، دانشجو ، دانش آموز ، روستایی سربازان و ... در کارخانه ، دانشگاه ، مدرسه و روستا و نهادگانه و جبهه ها با خواسته های صنفی و سیاسی متعددی روبرو هستند و بخاطر تحقق این خواسته ها میرومند .  
 مبارزه انقلابی و اوج یابنده جوانان در سالی که گذشت آشکار ترین نشانه آن است که رژیم خمینی علیرغم سفاکیها و جنایات بی شمار ، قادر نیست جوانان ایران را از نبرد در راه خواسته های شان منحرف سازد . جوانان ایران با اتکا بر ایمن حقیقت بزرگ به استقبال سال جدید میروند . سالی که قطعاً گسترش راهم بیشتر بیکارهای انقلابی را بهمراه خواهد داشت . برای موفقیت در این مبارزه باید ویژگیهای چات گوناگونی را که مبارزات جوانان ایران با بستر گسترش می یابد ، بدرستی شناخته آنان را ما هرا نه درهم آمیخت و مبارزه جوانان را در یک کل واحد و در پیوند تنگاتنگ با مبارزات مردم ایران علیه رژیم جنایتکار خمینی سمت داد .

مبارزه علیه رژیم جنایتکار خمینی بود . در همه اعترافات و تظاهرات توده‌ای ، جوانان نقش بزرگ و مبارزه جویانه ای بر عهده داشتند . آنان نیروی مهمی در مبارزه علیه جنگ ارتجاعی بودند . در نخستین روزهای سال جوانان زحمتکش کوی آبان با برپایی تظاهرات عظیمی علیه جنگ و رژیم خمینی بیاختاستند . پس از آن و در سرتاسر استان تظاهرات و اعتراضات متعددی بخاطر ملخ و علیه رژیم در تهران ، مشهد ، اهواز ، اراک ، دزفول ، باختران و تقریباً اغلب شهرهای ایران برپا شد . جوانان به اشکال مختلف از حضور در جبهه ها سرباز زدند - اشکال از سربازی ابعاد گسترده ای یافت . کمک به جبهه و شرکت داوطلبانه در جنگ با مخالفت افشار گسترده جوانان روبرو شد .  
 جوانان مبارز هر جا که امکان تجمع و اعتراضی بدست آوردند ، خشم و نفرت خود را از رژیم ضد مردمی خمینی بنمایش گذاردند . ورزشگاهها به عرصه اعتراضات توده‌ای بدل شد . تهران ، تبریز ، اهواز و برخی از شهرهای شمال منحصه تظاهرات متعددی جوانان بود . در جریان برگزاری مراسم دولتی دهه فجر ، دهها هزار جوان و دانش آموز در تها با تها تهران شعله های خشم و اعتراض خود را علیه رژیم نشان دادند . او با شگری عمال رژیم و دستجات حزب - الله در تهران مشهد و دیگر شهرها با مقاومت و اعتراض روبرو گردید .  
 کارگران جوان در مبارزه طبقه کارگر ایران نقش بزرگی بر عهده داشتند . جوانان کارگر در مبارزه علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم ، علیه اخراجهای گروهی ، بخاطر افزایش دستمزد و دفاع از حقوق صنفی و رفاهی طبقه کارگر از پای نایستادند . روستا زادگان در مبارزه علیه بازگشت بزرگ مالکان و تشدید ظلم و ستم در روستا نیروی فعال جنبش دهقانان بودند . مبارزات دستفروشان علیه تاراجگری رژیم در بسیاری از شهرهای ایران دا منته گسترده ای یافت جوانان زحمتکش خارج از محدوده در مقابل با یورش ما مورین شهرداری و سپاه و مقامات قهرمانانه ای را بروز دادند .  
 مبارزات دانشجویی و دانش آموزی گسترش یافت . اعتراض نیرومند دانش آموزان در برابر تخلیسه مدارس ، حکام جمهوری اسلامی را ناگزیر به عقب - نشینی ساخت . اعتراضات و اعتصابات دانشجویی متعددی از جمله در دانشگاههای تهران ، تبریز ، ملی رسته کاردانی پرستاری ... بر اه افتاد . در پیبیز دانشجویان بخاطر مسکن اعتراضات گوناگونی را سازمان دادند . مبارزات دمکراتیک انقلابی در مداین و اعتراض علیه مشکلات آموزشی و رفاهی و علیه مدبران ارتجاعی و مسئولین امور تربیتی بطور چشمگیری رشد کرد . فعالیت سیاسی و انقلابی زیر سرکوب و خفقان حاکم بر مراکز آموزشی جریان یافتند دانشجویان پیش ازینش بسوی مبارزه انقلابی و مقاومت در برابر ارتجاعی روی آورده ، تاجایی که خمینی در سخنرانی ۱۹ آذرماه خود مجبور شد اعتراف کند که : انقلاب فرهنگی شکست خورده است .  
 بانگ رسای مقاومت در زندانها دم بسهمدم بر طنین تر شد . زندانیان سیاسی در برابر یکی از جنایتکارترین رژیمهای تاریخ حماسه هسای پرشکوهی از مبارزه و مقاومت آفریدند . گسترش اعدامهای وحشیانه قادر نشد مقاومت روبرو اعتلای زندانیان سیاسی را درهم شکند .  
 همه این مبارزات به مسیر واحد جنبش

گسترده باد مبارزه انقلابی جوانان در راه سرنگونی رژیم خمینی



ادبیات کودکان و نوجوانان را زنده کنیم

تلاشها و کارهای یاد شده ، همواره بیا دستگیری زندان ، شکنجه ، تبعید و کشتار فعالیست. آن از جانب رژیم شاه روبرو می شد. از سوی دیگر با اشاعه فرهنگ منحط غربی سعی در تسخیر مغز و قلب کودکان و نوجوانان ایرانی به عمل می آمد. اما بیا مرمی و فداکاری روشنفکران ترقیخواه شمر بخش بود. آنها با یافتن راههایی که تبلیغ سانسور ساواک را خنثی کند و بیا توجیه مخفی کتابهای غیر مجاز ، فرهنگ غنی و برپایه را اشاعه دادند. با تحکیم سلطه واپسگرایان قرون وسطایی جمهوری اسلامی ، کتاب و کتابخانه های کودکان و نوجوانان هم از هجوم بربرمنشانه در امان نماندند و کتابسوزان مخول وار آنها ، ادبیات کودکان و نوجوانان را نیز شامل شد. هرگونه فعالیت فرهنگی در خارج ارتجاعی ، پوسیده و نفرت انگیز حکومتیان با سرکوبی خونین مواجه شد. آنچه کنه اکنون توسط جمهوری اسلامی برای کودکان و نوجوانان چاپ و منتشر می شود ، تبلیغ برای خرافه های قرون وسطایی ، جنگ طلسمی و توجیه جنایت خونریزی حکومتیان ، تقدیس سرما به داری ، آنتی کمونیسم لجام گسخته ، تحقیر شخصیت زنان و خلاصه دفاع از تمامی مظاهر ارتجاع و عقب ماندگی است .

علیرغم تمامی تضعیقات خشن و شبه فاشیستی سران جمهوری اسلامی ، در یکی دو سال اخیر شاهد تلاشهای تازه ای برای زنده کردن ادبیات کودکان و نوجوانان بوده ایم . از جمله این کارها ، تجدید انتشار آثاری است که در گذشته ، ترجمه یا تالیف شده است .

در شرایط کنونی ما اشاعه هر آنچه که بویی از علم و فرهنگ دارد ، اعلان جنگ به حکام قرون وسطایی جمهوری اسلامی است . ما تمامی نویسندگان ، هنرمندان و ناشران متحد را فرامی خوانیم تا بیا هرگونه راهی که میتوانند ، برای احیاء ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران ، فعالیت خود را گسترش دهند .

معلمین آگاه و مترقی چون همیشه نقش بسیار موشی در اشاعه ادبیات کودکان و نوجوانان برعهده دارند .

امروز تشویق کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان ، صرفی کتابهای مفید به آنها ، برپایی کتابخانه های کوچک و مستقل در شهرها و روستاها ، برپایی محافل کتابخوانی و علاقمندان هنر و ادبیات در میان جوانان و نوجوانان از جمله فعالیت های است که جوانان آگاه و مبارز باید با جدیست و بیاگیری به انجام آنها اقدام کنند .

۱۴ فروردین ماه رابه مناسبت تولد هانس کریستین آندرسن نویسنده شهیر دانمارکی ، کسه برای کودکان و نوجوانان قسم می نوشت ، "روزگانی کتاب کودک" نام گذاشته اند. مردم ترقیخواه در سراسر جهان به مناسبت این روز ، برای گسترش کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان و ارتقاء ادبیات کودکان و نوجوانان ، تلاشهای وسیعی و انجام میدهند. زیرا ارتقاء فرهنگ و آموزش نسل آینده ، بلاواسطه در بهبود زندگی بشری فوآست . ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران سابقه طولانی ندارد. اما این نهال جوان بویژه در سالهای گذشته به همت عده ای از نویسندگان هنرمندان متعهد و مرمی از رشد و گسترش چشمگیری برخوردار بوده است صد بهرنگی آغاز گر یک مرحله نوین در داستان نویسی برای کودکان بود. کار ارزشمند مصمم را نویسنده گوی مثل علی کار فردریشیان ، نسیم خاکسار و قدسی قاضی نور دنبال کردند. عرصه دیگری که در این رشته گشوده شد ، معرفی آثار ارزشمند کلاسیک ادب فارسی برای کودکان و نوجوانان بود . احمد شاملو با تنظیم قصه های کلیله و دمنه و نیز قصه های منثور مولوی در ادبیات کودکان و نوجوانان ایران پهنه نوینی را گشود که ارزش عظیمی و ضرورتی مبرم برای بیاگیری دارد. برخی از اشاعران معاصر ایران نیز در زمینه شعر و برای کودکان و نوجوانان طبع آزمایی های کردند که از میمان آنها ، سروده های سیاوش کسراش ، م. آزاد و محمود کوش آبادی از معروفیت بیشتری برخوردار شد. ترجمه آثار نویسندگان بزرگ جهان برای کودکان و نوجوانان به همت مترجمین چیره دست ایرانی ، میدان دید کودکان و نوجوانان ما را از مرزهای ایران گذرانند و آنان را با مسائل کودکان و نوجوانان جهان آشنا ساخت . آثار نوشته های آنتوان سنت اگزوپری ، آرکادی گایدار و ریچارد کندی در سالهای اخیر از استقبال وسیعی برخوردار بود . از جمله فعالیت های دیگر در زمینه کتاب کودک ، ترجمه و تالیف کتب علمی به زبان ساده بود که در پاسخگویی به سوالات کنجکاوانه کودکان و نوجوانان در مورد پدیده های زمین ، چونگی تکامل انسان ، تاریخ جامعه و ... اثر بسیار مثبتی داشت . نوشته های رفیق شریف حمید مومنی در این عرصه ها ، بسیار ارزشمند است

بنان درگذشت

دهم اسفند ماه ۱۳۶۴ ، غلامحسین بنان " استاد بزرگ موسیقی ایرانی درگذشت . استاد " بنان" تمامی عمرش را در خدمت اعتلای موسیقی اصیل ایرانی گذاشته بود . او با اجرای قدرتمند گوشه هسا ، مقام ها و دستگاه های موسیقی ایرانی و بیا احیاء جاودانه ترین اشعار کلاسیک شعر فارسی ارشیهای گرانیها درکنجینه هنر مبین مان برجای گذارد در سالهای سیاهی که ارتجاع قرون وسطایی جمهوری اسلامی ، قلع و قمع هنرمندان و نایبوی هنر و بویژه موسیقی را در میان ما به راه انداخت ، برینان تنهایی و سختی بسیار گذشت . " بنان " رفت اما صدای دلنشین ، بیا د ارچمند و زحمات گرانقیمت او همیشه در میان مردم ایران باقی خواهد ماند .

جوانان! برای نجات فرهنگ ملی، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنید



معرفی کتاب



فیلیکس یعنی خوشبختی

"من به جوانی که در اندیشه است  
تاراهش را یکباره برگزیند  
ومی گوید: در این فکرم

تا در کارم

چه کسی را سرمشق قرار دهم؟

می گویم: بی هیچ تردیدی

رفیق دژرژینسکی را

سرمشق قرار بده .

مایاکوفسکی این شعر را در رسای مردی سرود که از بزرگترین انقلابیون دوران و از رهبران تزاری نخست حزب بلشویک و انقلاب دوران ساز و کبیر اکتبر بوده است. کتاب "فیلیکس یعنی خوشبختی" مروری است بر زندگی آموزنده، پرتلاطم، سراسر مبارزه و افتخار آمیز این بزرگ مرد تاریخ. ما مطالعه این کتاب آموزنده و با همه جوانان ترقیخواه توصیه می کنیم.

فیلیکس فرزند صاحب ملک "دژرژینو" \* \* \* در ریاضی - فیزیک بود که درجه اول سالکی با مرض سل درگذشت و ۸ فرزند از خود به جای گذاشته بود.

مادرشان یلینا ایگناتوونا "با سرخستی و تجمعات مشقات فرزندانش را بزرگ میکرد و با فرهنگ و آلائش آنان را انسانهای شریف تربیت میکرد. تقصیر و قصه های مادر، غروب هنگام برای فرزندانش مبارزه مردم علیه استبداد تزارها و قیام هسار و عصیانها بود. او به بیجه هایش عشق و محبت میداد و قلبی بزرگ برای آنها میخواست.

فیلیکس برای ادامه تحصیل در دبیرستان به شهر کوچک ویلنو، به منزل خاله اش منتقل شد. در همین خانه بود که ما "داشکویچ" پزشک سوسیال دمکرات آشنا شد. طبیعت در آغاز تنها به مسخره کردن مقامات شهروایالت درخدا و میپرداخت و بعد از اینکه خوب این دانش آموز دبیرستانی را مورد مطالعه قرار داد به طرح مسایل جدی تر با او پرداخت. فیلیکس بسا و رهنمود پزشک، یک محفل دانش آموزی را در مدرسه ایجاد کرد.

نخستین اقدام این محفل، امتناع از سوگند بیعت با تزار جدید روسیه بود. محفل دانش آموزی در کنار مطالعه آثار انقلابی، بسا ماشین دستی به چاپ اعلامیه و بخش آنها در شهر اقدام میکرد. فیلیکس چندی بعد به عنوان نماینده جوانان سوسیال دمکرات شهر به کنگره مخفیی سراسری دانش آموزان و دانشجویان اعزام شد. فیلیکس را با توطئه پلیس مخفی شهر در سال آخر دبیرستان از مدرسه اخراج کردند.

فیلیکس ۲۰ ساله هم راهش را انتخاب کرد و به مشابه یک انقلابی حرفه ای در خدمت حزب درآمد. در کنار مسئولیت هایش، سرپرستی تعدادی از محافل کارگران انقلابی را نیز در شهر برعهده گرفت و سپس بایکی دیگر از همزمانانش به شهر کارگری کورن اعزام شد. حزب در این شهر تشکیلات نداشت و این دو باید در آنجا تشکیلات سوسیال دمکراتها را برپا میکردند. فیلیکس در یک چاپخانه کار پیدا کرد. عمدها در این وقتها و محل های تجمع کارگران بود. دوستی، رفاهت و گفتگو با آنان می برداخت. از طریق همین اطلاعات و وقتها، نخستین اعلامیه های انقلابی را در این شهر کارگری چاپ و بخش کرد. اعتصابات صنفی را سازمان میداد و

رهبری میکرد. در همان سال با گزارش یک جاسوس دستگیر و با پرونده سنگینی به سبیری تبعید شد. اما پیش از یکسال در تبعید دوام نیاورد و از طریق رودخانه فرار کرد. بلافاصله پس از فرار از تبعید برای سازماندهی مجدد کار انقلابی بازگشت. سپس از سال فعالیت به دلیل نفوذ جاسوس تشکیلات حزب در منطقه ضربه خورد و دژرژینسکی هم دستگیر شد. این بار ۲ سال در زندان ماند و سپس به تبعید روانه شد. از زندان وقتی که ۲۴ ساله است بسرای خواهرش چنین نوشته بود: "اگر یکی به من بگوید به چنین های پیشانیت، به تن رنجورت و زندگی کنونیست نگاه کن و ببین که زندگی تو را چسان درهم شکسته است، من به او پاسخ خواهم داد: زندگی مرا درهم نشکسته است، بلکه این من هستم که زندگی را درهم شکسته ام. وضع جسمانی ام شباهتی ندارد. زندان تا شیر خوشایشان داده، اما نیروی راده دست کم هزار سال نکهم خواهد داشت."

برای ادامه کار انقلابی، بازم از تبعید گریخت و این آخرین قرار از زندان و تبعید نبود سال ۱۹۰۷ وقتی که ۳۰ سال داشت و در زندان و روشو زندانی بود، به عضویت کمیته مرکزی حزب سوسیال دمکرات به رهبری لنین کبیر انتخاب شد.

فیلیکس تمام زندگیش را وقف مبارزه انقلابی کرده بود. گویی همه وجودش تنها از سرخستی و دشواری مبارزه نشان یافته است. ولنی وقتی به زندگیش، عشق هایش، علاقه اش به طبیعت، محبت بی گرانیش به بیجه ها و لذت بردنش از هر آنچه که دست داشتنی است، نگاه میکنید درمی یابید که او چه او ظاف سرشار و انسان دوستی عمیقی را در وجودش نهفته داشت. بازم در نامه ای که در ۱۹۱۹ نوشته بود میخوانیم: "امروز هم مثل سابق، عشق برای من همه چیز است و شغف آن را در قلب خود میشنوم و احساس میکنم. این نغمه مرا به مبارزه، به داشتن آرا ده شکست نا پذیر و کار خستگی نا پذیر فرا میخواند."

فیلیکس دمووندویچ دژرژینسکی با تکیه بر آرا ده پولادین، ایمان استوار و توانایی سرشارش هر آنجا که حزب ضرور میدید حاضر میشد و این نقاط همیشه خطرناک ترین مناطق برای کار بود. همین نقطه هاست که جسارت و ایثار انسانهای بزرگوار چون دژرژینسکی را بی طلب میداند. او پس از انقلاب نیز همواره در حاس ترین مقامات نخستین دولت سوسیالیستی جهان با سرافرازی خدمت کرد. یکی از جدی ترین مسئولیت هایش در این دوران صدر کمیسون فوق العاده مبارزه با ضد انقلاب خرابکاری و احتکار (رجکس) بود.

دژرژینسکی پس از ارائه گزارش به پلنوم کمیته مرکزی در ژوئیه ۱۹۲۶ به دلیل مشکلات فمرا وانی که در دوران عمر کوتاهش تحمل کرده بود، دچار حمله قلبی شد. کمیته مرکزی حزب کمونیست در همان روز به مردم اتحاد شوروی این چنین پیام داد:

"امروز ضربه جدید و سنگینی بر پیکر حزب فرود آمد. درهم کوبیده بورژوازی، رزمنده صادق پرتولتاریا، مبارز بسیار نجیب انقلاب کمونیستی سازمانده خستگی نا پذیر صنایع مان، زحمکشش ابدی و سرباز بی باک نبردهای بزرگ، رفیق دژرژینسکی در نتیجه سخته قلبی، ناگهان درگذشت"

از بیان  
خبرها و گزارشها

تشبیهات قیمرانسانای کودکان و جوانان از زیدبیدههای رایج آموزش و پرورش به سبک جمهوری اسلامی است، در یکی از مصاحبه‌های سید علی خامنه‌ای در کلاس اول خود را برای تشبیه در شوقا زخانه مدرسه حبس کرده بود. پس از پایان کلاس فراموش می‌کند که او را آزاد کند. این کودک از روز پنجشنبه تا صبح شنبه در آنجا مانده و فوت می‌کند، خانواده او پس از جستجوی فراوان جسد تنها پسران را در شوقا زخانه مدرسه پیدا می‌کنند.

در روزهای "خوزاوند" زتوانج شهرستان خمین، آموزش و پرورش تصمیم به انحلال تنها مدرسه را هنجایی محل می‌گیرد. با انتشار این خبر مردم روستا به مدرسه رفته و متحمن می‌شوند. آنها برای مقابله با هجوم احتمالی رگانهای سرکوب رژیم بیلب وکلنگ هایشان را هم به محل تحصن می‌برند. پس از ۱۵ روز مقاومت و مذاکره با لایحه مدرسه بازگشایی می‌شود. اوایل دیماه در شهرک ولی عصر (واقع در جاده ساوه) دانش آموزان مدرسه راهمایی دخترانسه در اعتراض به انتقال اجباری عدای از معلمین شان و رفتار توهین آمیز مدیر مدرسه با محصلین، از رفتن به کلاس خودداری کرده و در حیات جمع می‌شوند. آنها خواستار بازگشت معلمین و عزل مدیر مدرسه می‌شوند. شعار میدهند "برای حفظ شیشه، مدیریاید بیرون شه" سپس پوستهای تبلیغاتی را دیوارهای پایین کشیده و پاره می‌کنند. وقتی مدیر مدرسه می‌خواهد سخنرانی کند، بچه‌ها سیم بلندگو را قطع می‌کنند. دخالت پاسداران کمیته چی نیز نمی‌تواند به اعتراض پایان دهد. بالاخره مسئولین ناحیه ۱۸ آموزش و پرورش مجبور می‌شوند که مدیر را برکنار و معلمین محبوب بچه‌ها را بازگردانند.

مدیر با تجربه مدرسه شهید مدنی درخیا بان مخصوص تهران را به کناری و یک جوان حزب اللهی را به جای وی منصوب می‌کنند. دانش آموزان هم با اعتصاب و تحریم کلاسها، خواستار بازگشت مدیر سابق خود می‌شوند. مسئولین ناحیه بالاخره مجبور به برکناری

مدیر حزب اللهی و بازگشت مدیر سابق می‌شوند.

تحریم نماز جماعت اجباری در هنرستان قدس تهران، بالاخره امور تربیتی را مجبوره برچیدن آن می‌کند. از میان ۴۰۰ نفر دانش آموز تنها تعداد انگشت شماری از انجمن اسلامی به این نماز اجباری می‌رفتند.

مسئولین آموزش و پرورش با غ "ملک" عدهای از دانش آموزان دبیرستان این روستا را بدون اطلاع خانواده هایشان روانسه جبهه‌ها کشتار می‌کنند. خانواده این جوانان وقتی خبر را می‌شنوند به شدت به اعتراض برمیخیزند. عدهای از آنها راهی اهوا می‌شوند و فرزندان خود را از جنگ آدمربایان خمینی بیرون می‌کنند.

دی ماه امسال درجبهه غربی در جریان یکی از حملات اخیر، عدهای از سربازان در منطقه ای در زیر آتش عراقی ها بدون کسگو غذا می‌مانند و هیچکس هم سراغی از آنها نمی‌گیرد. آنها نیز اقدام به فرار می‌کنند. با نزد شدن از آنان در حین فرار دستگیر و برای زهرچشم گرفتن ازبقیه سربازان به دادگاه نظامی فرستاده می‌شوند. به آنها حبس های طولانی تا ۱۵ سال داده اند.

از آذرماه امسال در دانشگاه تهران هنگام ورود دانشجویان دختر، علاوه بر کنترل "حجاب" شروع به بازرسی کیف آنها هم می‌کنند. پس از مدتی دانشجویان دختر با جمع شدن در جلوی درب ورودی، خواستار پایان دادن به این عملیات تفتیش می‌شوند. اعتراض آنها به نتیجه میرسد و بازرسی لغو می‌گردد.

یکی از استادان دانشکده ادبیات دانشگاه اهواز به جرم بستن کراوات و تبلیغ علیه جنگ اخراج می‌شود. دانشجویان به پشتیبانی از استاد کلاسها را تحریم می‌کنند و جمعی از اساتید هم برای بازگشت او و تضمین شغلی استادان نزد رئیس دانشکده می‌روند. جاسوسان انجمن اسلامی در تقابل با سبک دانشجویان و استادان جلسهای تشکیل داده و آنها را تهدید به سرکوب می‌کنند، اما اقدام برای بازگرداندن استاد اخراجی همچنان ادامه دارد.

جوانان محله پل اما مزاده معصوم تهران، در دی ماه امسال برای حفظ زمین ورزش محله خود به یک مقاومت جمعی دست می‌زنند. آنها که فهمیده بودند شهرداری قصد تصرف زمین را دارد، با تجمع در محل، مانع این اقدام می‌شوند. یک واحد از سازمان جوانان

فدائی تهران گزارش کرده است: "... برای هرچه با شکوهرت برگزار کردن مراسم با زنده‌مین سالگرد بنیادگذاران سازمان برنامہ ریزی وسیع تبلیغی کردیم. بیش از بیست هزار اعلامیه و تراکت تکثیر و توزیع کردیم. ۱۵۰ پیخش ویژه شامل پخش در سینما، از سخنانهای بلند، در راهوتعدادی نصب پلاکارد داشتیم. در این فعالیتها همچنین تدابیر امنیتی به خوبی انجام گرفته بود. سبک تبلیغی برای با زنده‌مین سالگرد سازمان راه نام رفیق زهدین تا با نام گذاری کرده بودیم. یکی از گروههای پیشگام نوشته است: "در طول آذرماه، اقدامات ویژه ای از جانب ما مورین حکومتی برای جلوگیری از ورود تراکتها و اعلامیه‌ها و اعلامیه‌های انقلابی به دانشگاه صورت گرفته بنود. آنها دانشجویان را هنگام ورود به شدت کنترل می‌کردند حتی کیف دانشجویان را هم بازرسی می‌کردند که مورد اعتراض آنان قرار گرفت اما با این وجود اعلامیه سازمان جوانان به مناسبت ۱۶ آذر را وسیع در دانشگاه پخش کردیم."

در مدرسه عالی پرستاری آزاده در روز ۱۶ آذر با اعلامیه‌های سازمان جوانان فدائی وسیع پخش شده بود. فدای آن روزمه‌ها کیفها و کلاسورهای دانشجویان را ورق به ورق بازرسی می‌کردند. در مقابل سوال از اعتراض بچه‌ها می‌گفتند: اعلامیه پخش شده است. پیشگامان یکی از مدارس شرق تهران نوشته اند: "صبح اول وقت دانش آموزان که وارد کلاس شدند، در کسوی میزها پشان تراکت‌های فداشودن علیه جنگ را مشاهده کردند با آنکه تراکتها فقط در کلاسها گذاشته شده بود، اما تمام مدرسه از پخش تراکت و مضمون آن باخبر بود. وقتی خبر به کلاسهای دیگر میرسید، بچه‌ها هورا می‌کشیدند. مسئولین مدرسه با شتاب شروع به بازرسی کلاسها کردند. از فردا مراقبت در مدرسه خیلی شدیدتر شد. بحث دانشجویان از سازمان هم در مورد تراکتها ونحوه پخش آن تا مدتها ادامه داشت. وقتی که مدیر مدرسه علیه مضمون تراکت به سخنرانی پرداخته با پوزخند و مسخره دانش آموزان درزنگ تفریح مواجه شد."

## خبرنگار

پیشگام باشید!

بحران فاجعه بار...

بقیه از صفحه ۱۲
ناخالص ملی سهمی ندارند و به مشاغل گادبی نظیر دوره کردی و انواع کارهای مشابه مشغولند و باین حساب تعداد بیکاران و نیمه بیکاران به رقم بیست و یکصد و ۴۰ درصد مجموع نیروی کار می رسد. مطابق گزارش فوق ۷۰ درصد بیکاران را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می دهند. بعبارت دیگر نزدیک به ۱/۶ میلیون نفر از جوانان زیر ۳۰ سال با بیکاری و گرسنگی دستگیر شده اند. تازه این ارقام رسمی دولتی است که معمولی بسیار کمتر از ارقام واقعی است. خود گویای فاجعه بزرگ بیکاری جوانان کشور است و تازه این در شرایطی است که هرساله قریب ۳۵۰ هزار نفر جوان وارد بازار کار می شوند و اقتصاد بحران زده رژیم بجای جذب آنها هر روز تعداد دیگری از کار آخراج می کنند.

اینک اشتغال و تامین شغلی بزرگترین مشکل اکثریت جوانان - به ویژه جوانان زحمتکش - است. کارگران جوان بطور گسترده و خودسرانه دسته جمعی آخراج می شوند. روستا دگان به دلیل ویرانسی روستاها، از خانه خود کنده شده و در شهرها بی گرسنگی و بیکاری و آوارگی مواجه می شوند. اکثریت دانش آموزان سالیانی آخر دبیرستان چشم اندامه تحصیل ندارند. رژیم بخشی از آنان را میباید و به جبهه های جنگ میبرد و انبوهی از آنان نیز با غول بیکاری دستگیر می شوند.
فارغ التحصیلان دانشگاهها برای یافتن شغل...

پیش سوی بزرگتری...

بین المللی طبقه کارگر دوستانه و ده های آن بویژه جامعه کشورهای سوسیالیستی، همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان، مبارزات طبقه کارگر ایران، خواستها و مطالبات آنان، نقش مبارزات کارگران ایران در جنبش انقلابی همپیمان و... آشنا شوند و هرچه بیشتر این مسایل را در میان توده کارگران زحمتکشان جوان اشاعه دهند.

از جمله فعالیت های عملی برای گسترش این همبستگی، برگزاری مسابقات ورزشی به مناسبت اول ماه مه "جام کارگر" است. این مسابقات در کارخانجات و در محلات زحمتکش نشین باید با حضور تیم های کارگری یا حضور کارگران و زحمتکشان جوان...

کنکور در خدمت...

گذرانده باشند، میتوانند در زمره سهمیه نهادهای قرار گیرند.

مجموعه این مقررات ارتجاعی تنها متوجه یک هدف است. رژیم میخواهد کنکور را به دامی برای کشتن جوانان به جبهه های جنگ بدل سازد و با موج گسترده امتناع مسئولین از رفتن به جبهه مقابله کند. بدین ترتیب برای مدتها هزار جوانی که بگانه چشم اندازشان ورود به دانشگاه است، تنها یک راه باقی میماند. گذشتن از دریای آتش و خون جبهه های جنگ. آنان که موفق شوند از قتلگاسی که رژیم برایشان تدارک دیده جان سالم بدر ببرند گرفتار تفتیش عقاید نیستند. هشتت های گزینش و سپس ساواک و زندان اوین خواهند شد. نتیجه کنکور برای ۹۵٪ این جوانان از پیش روشن است.

ورزش در زنجیره...

دوستان است. برای هاشدن از این اعتراضات و ادامه آسانتر وزیرانگانه ترسیاستهای ارتجاعی است که مسئولین ورزشی بی دردی جاچا میروند اما جاچا شیبا سیاستهای ارتجاعی حاکم سرورزش را تغییر نمیدهد. راه علاج ورزش بیمار ایران آنست که در نخستین گام به سیاست ارتجاعی "مکتبی"

بقیه از صفحه ۳

مشکلات فراوانی روبرو هستند، معلمین، کارمندان و متخصصین جوان بدلیل بحرانهای اقتصادی و سیاستهای ارتجاعی از کار ریبیکار و بیبیکار میشوند. مسبب بیکاری فاجعه انگیز و لحام گیسختن است که آئینده میلیونها جوان را تهدید میکند، رژیم جنایتکار خمینی است. رژیم با ادامه جنسیت و تخصیص هزینه های سرسام آور برای سرپا نگاه داشتن ماشین جنگی خود، اقتصاد کشور را در بحران عمیقی فرو برده است. رژیم از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و نظام غارتگر سرمایه داری که عامل اصلی بحران و بیکاری هستند، بطور همه جانبه دفاع میکند و با برنامها و سیاستهای ارتجاعی خود بحران بیکاری را شدت میبخشد.

علیرغم سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم مبارزه بخاطر حق قطع آخراجها ادامه دارد و هر دم بیشتر اوج میگیرد. در این مبارزه جوانان و بویژه جوانان کارگر و زحمتکش نقش قابل ملاحظه ای برعهده دارند. بیکاری و خطر آخراج بیش از همه بر آنها فشار آورده و زندگی شان را تهدید میکند. جوانان پیشگام باید با دفاع پیگیرانه از خواست عادلانه جوانان کشور مبتنی بر حق کار و تنه شغلی، سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خامی سرمایه داران را وسیعاً افشاء کنند. مبارزات جوانان کارگر و دیگر اقشار جوانان بخاطر داشتن محصول کار و معالنه شرکت کنند، در جهت شکل سازماندهی مبارزات جوانان بیکار و جلب حمایت توده جوانان از خواسته ها و مبارزه آنان بکوشند.

در تیم های ورزشی انجام پذیرد. برپایه های برنامها و کوهنوردی ویا گردشهای دسته جمعی به مناسبت روز جهانی کارگر نیز از زمره ایمنی فعالیتهاست.

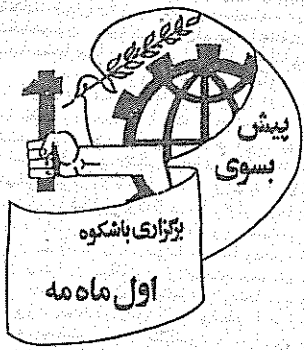
فعالیت های عملی دیگر در راستای فوق، هدیه کردن گل، تبریک گفتن به کارگران اراج گذاردن به کارگران و زحمتکشانی است که در محل زندگی پیشگامی ها و ویادرمیان خانواده آنها هستند. و بالاخره بخش توزیع اعلامیه ها، تراکت ها و نوشتن شعارهای سازمان قذافیان خلق ایران (اکثریت) سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران به این مناسبت توسط جوانان پیشگام عرصه جدی همبستگی با کارگران انقلابی ایران است.

تنها با تشدید مبارزه می توان رژیم را در پیشبرد نیات فاشیستی اش مجبور به عقب نشینی ساخت. سالیانی گذشته این مبارزه به اشکال متفاوت جریان یافت. جوانان با افشاکوری گسترده، تبلیغ، تشدید فشار به مقامات زیربط، نامه نگاری به رسانه های عمومی، تحمن و اعتراض مبارزه علیه اقدامات ارتجاعی رژیم برای گزینش یافتند. امسال شرایط ویژه و موفقیت های نیز دست هر زمان فراهم تر است.

جوانان با اشعار الفای ضوابط ارتجاعی کنکور و برچیدن سهمیه نهادهای ارتجاعی و بیاباری گرفتن از سهم اشکال ممکن، علیه گزینش ارتجاعی دانشجو اعتراض و مبارزه کنید.

کردن ورزش پایان داده شود، ورزشکاران ایران برکنار از هژده ارتجاعی صدور "انقلاب در میادین بین المللی حضور یابند، ورزش در سطح همگانی و بویژه در مدارس مورد تشویق قرار گیرد، با شاگهای ورزشی حمایت شوند و امکانات ورزشی همگانی گسترش یابد، باید در راه تحقق این خواستها مبارزه کرد تا ورزش ایران از جنگال مرتجعین رها گردد و شکوفا شود.

۱۱ اردیبهشت  
 امسال صدمین سالگرد اول ماه است. روز همبستگی جهانی کارگران است. به این مناسبت، جشنهای امسال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کارگران و زحمتکشان از جمله جوانان کارگر و زحمتکش علی‌رغم استبداد سیاه قرون وسطایی حاکم بر مینیمال‌ها و یابرادران و خواهرانشان بزرگاری باشکوه این جشن بزرگ هستند.



نخستین گام برای تدارک هرچه وسعت‌تر و بزرگ‌تری هرچه باشکوه‌تر این جشن، تشکیل کمیته‌های بزرگاری جشن اول ماه مه در همه کارگاهها و واحدهای تولیدی و خدماتی است. کارگران جوان باید فائزانه در ایجاد این کمیته‌ها و بهیچ‌دور اورشان و مشارکت کنند.

طبقه کارگر ایران با شعار صلح و مبارزه علیه اختناق و آزادی کشی، تبعیض و نابرابری اجتماعی به استقبال اول ماه مه می‌رود. این مبارزه علیه رژیم خمینی به مثابه عامل جنگ و اختناق و حاکمی سرمایه داران جریان دارد. اول ماه مه همچنین تشدید مبارزه برای تحکیم همبستگی طبقه‌های کارگران ایران علی‌رغم ویژگی‌های سنی، جنسی عقیدتی، فرهنگی و ملی است. کارگران و زحمتکشان جوان نیز با شرکت مجدانه در این مبارزات به طرح مطالباتشان از جمله تدوین قانون کاری انقلابی که مدافع حقوق آنان باشد، می‌پردازند. روس‌ایین خواسته‌ها پایان دادن به موج اخراج جوانان کارگر، تأمین کار برای جوانان بی‌کار، منع کار نوجوانان کمتر از ۱۵ سال بویژه در کارگاهها، ایجاد امکانات برای ادامه تحصیل کارگران جوان ایجاد امکانات برای ارتقاء تخصص و برخورداری از آموزشهای فنی - حرفه‌ای، بهداشت و ایمنی کار و تأمین اجتماعی برای آنها و نظارت سازمانهای صنفی مستقل کارگری بر رعایت حقوق کارگران جوان در کارگاهها و واحدهای تولیدی است.

جوانان مبارز و انقلابی با دیدنه مناسبت صدمین سالگرد اول ماه مه، در جهت کمک و همکاری به کارگران و زحمتکشان جوان برای بزرگاری هرچه باشکوه‌تر جشن‌های روزگارگر در واحدهای تولیدی، کارگاهها و محلات کارگری تلاش کنند.

به این مناسبت، ضرور است تا جوانان آگاه و مبارز با تاریخچه اول ماه مه، جنبشهای طبقه در صفحه ۱۱

بزرگاری اول ماه مه چون همه تاریخ آن بسا تشدید مبارزه کارگران علیه سرمایه داری و ارتجاع و ابزار همبستگی طبقاتی کارگران، تجلی می‌یابد. از همین رو، حق بزرگاری این جشن کارگری، خود موضوع مهم مبارزه کارگران است. مبارزات سالهای اخیر کارگران و زحمتکشان ایران، سرانجام رژیم مرتجع خمینی را وادار کرد که در سال گذشته بطور ضمنی و در عین کینه نوزانه ترین تبلیغات و اقدامات علیه جشن کارگران، ۱۶ اردیبهشت را تعطیل کند، و در لایحه قانون کار جدیدش نیز آنرا به عنوان تعطیل کارگری بگنجانند. فعلا این پیشرو کارگری و بویژه کارگران جوان نباید همچنان با تاکید بسوی تعطیلی این رو رسمن بخشیدن به آن، ضمن افشای مانورهای ضدکارگری رژیم و تحریم حضور در گردهمایی‌های فرمایشی، تمام تلاش خود را برای بزرگاری مستقلانه این جشن بنمایند.

### کنکور در خدمت جنگ

وزارت فرهنگ و آموزش عالی مقررات تراز گزینش دانشجو در سال ۶۵ را اعلام کرده است و تصمیم‌های ارتجایی تازه‌ای را - با همکاری اداره نظام و طبقه - بر ضوابط باقی‌مانده گذشته افزوده است. در بخشی از اعلامیه مشترکی که از سوی این وزارتخانه و اداره نظام و طبقه منتشر شده، آمده است:

"متولدین سال ۱۳۴۶ به بعد فوراً در امتحان سال جاری تحمیلی (فارغ التحصیلان دیپلمه سال ۱۳۶۵ دبیرستانهای روزانه) با پدیس شرکت در کنکور سراسری اعزام گردند. بدین است در صورت پذیرفته شدن در امتحان گزینش در هر مرحله از خدمت ترخیص خواهند شد. در غیر این صورت غایب محسوب خواهند شد. پذیرش آنها در امتحان گزینش "کان یکن ثلثی و پذیرش آنها در امتحان گزینش "کان یکن ثلثی برگ پایان خدمت یا تعاقب دایم پزشکی آرایه دهند دانشجویان انصرافی نیز تنها پس از گذراندن دوره سربازی میتوانند مجدداً در کنکور شرکت کنند. در دفترچه راهنمای کنکور تا کید شده است کنسرتی که تا تاریخ ۶۵/۲/۳۱ وادولتنامه ۶ ماهه را درجیه هیا طبقه در صفحه ۱۱

### بحران فاجعه باریکاری

بحران همه جانبه اقتصادی رژیم به گسترش فاجعه آمیز بیکاری انجامیده است. صنایع بیضای در حال تلاشی اند، کارخانه‌ها یکی پس از دیگری تعطیل میشوند و سرمایه داران چپا و لکر کارگران را گروه گروه به خیابانها میریزند. کشاورزی ورشکسته است و خیل عظیمی از روستائیان در شهرها بدینال کار و نان آواره هستند. صفوف بیکاران و گرسنگان دم به دم انبوه همگانی میشود. جوانان قربانیان نخست این فاجعه همگانی هستند.

مطابق آمار منتشره در سالنامه آماري سال ۱۳۶۲ از نیروی کار ۶/۵ میلیون نفری مناطق شهری در سال ۱۳۶۱، ۲۱/۷ درصد یعنی ۱/۴ میلیون نفر بیکار بوده‌اند، این رقم در میان جوانان زیر ۳۰ سال به حدود ۲۹ درصد بالغ شده است. از آن زمان به بعد نیز بیکاری با ابعاد عول آساکا گسترش یافته است. بر اساس یک گزارش داخلی رژیم بنام "نگاهی به وضع موجود و بررسی کلی تنگناها و مشکلات اقتصادی کشور" که در مهرماه سال گذشته به کمیسیون خاص بنامه دوم مجلس شورای اسلامی، داده شده است، ۲/۲ میلیون نفر از ۱۲ میلیون نیروی کار کشور، یعنی قریب ۱۹ درصد، بیکار بوده‌اند. بر اساس اعتراف دست‌اندرکاران اقتصادی رژیم در این گزارش، ۲۰ درصد شاغلین در تولید طبقه در صفحه ۱۱

آدرس: PI.10  
 1001 WIEN  
 AUSTRIA  
 آدرس: اتریش

## گرامی باد صدمین سالگرد اول ماه مه!